

هنوز هم دولت ترکیه از اشعار ناظم حکمت وحشت دارد!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

هفته گذشته* در شهر «آقلا»، در دبیرستان آناتولی، شب شعری توسط یکی از دبیرستان‌هان برگزار شده بود که شاگردان رشته ادبیات، اشعاری را که از قبل مدیریت دبیرستان تعیین کرده بود، دیکلمه می‌کردند. یکی از شاگردان به نام «ج.ج»، پس از دیکلمه شعری، گفت: «اشعار ما فقط همین‌ها نیستند، ما را سانسور کرده‌اند، از این‌رو من می‌خواهم شعر دیگری برای شما دیکلمه کنم. نام این شعر «خائن به وطن»، از ناظم حکمت، شاعر سرشناس‌مان است.»

هنگامی که او، این شعر را دیکلمه کرد، اکثریت حضار به پا خواستند و به مدت طولانی دست زدند. اما دورماز، مدیر مدرسه، با این بهانه که این شعر جزو برنامه نبود عکس‌العمل نشان داد.

بخشدار موقلا هم که در این مراسم حضور داشت، به محافظین خود دستور داد، دانش‌آموز یاد شده را به اداره امنیت ببرند. سپس «ج.ج» را در مقابل چشمان حضار دستگیر و به اداره امنیت بردند.

سه وکیل به نام‌های لونت آنیل، محمد توکات و شاکر اوزدمیر، به اداره امنیت رفتند و داوطلبانه وکالت «ج.ج» را عهده‌دار شدند. مامورین امنیتی، پس از سه ساعت بازجویی، به دلیل این که شعر یاد شده ممنوع نیست، اجباراً «ج.ج» را آزاد کردند. اما حلوسی اردوغان، بخشدار موقلا، گفته است که این شعر سیاسی است و ممنوع می‌باشد، بنابراین اقدامات قانونی در این مورد ادامه دارد.

این فقط نمونه است از سانسور و اختناق و سرکوب دولت‌هایی نظیر ترکیه است که دهه‌های طولانی ناسیونالیست‌ها و ژنرال‌ها و اکنون نیز حزب اسلامی در حاکمیت است، به این زودی‌ها ریشه‌کن نخواهد شد.

ناظم حکمت، در سال ۱۹۰۲ متولد شد و تا هنگام مرگش به مبارزه انقلابی و کمونیستی و آزادی‌خواهانه و رهایی‌بخش خود ادامه داد و تمام عمر خود را در زندان و تبعید و مخفی‌گاه‌ها گذراند اما هرگز در مقابل سرکوبگران و استثمارگران سر فرود نیاورد. در واقع به صراحت می‌توان گفت که ناظم حکمت، فریاد همه ستم‌دیدگان و استثمارشدگان جهان بود

ناظم، با شاعران و نویسندگان و هنرمندان سرشناس و مبارز جهان چون «آراگون»، «پابلو نرودا»، «نیکلاس گیلین» و «سارتر» آشنا و هم‌صحبت بود.

آثار او، به بیش از سی زبان مختلف ترجمه و منتشر شده است. اما تا روزی که ناظم زنده بود دولت‌های فاشیستی و نظامی و ناسیونالیستی ترکیه اجازه ندادند آثار او در این کشور چاپ و انتشار پیدا کند.

ناظم حکمت، در سحرگاه روز سوم ژوئیه ۱۹۶۳ در مسکو، برای همیشه چشم از جهان فرو بست. مرگ او همه کسانی که او را از نزدیک می‌شناختند و یا با آثارش آشنا بودند، بسی اندوهگین ساخت. در سوگ مرگ ناظم، شاعران و نویسندگان زیادی در چهار گوشه جهان شعرهایی سروده‌اند و یا به یاد او مطالبی را نگاشته‌اند. از جمله ندیم گورسل، شاعر و منقعد معروف ترکیه، در سال ۱۹۷۴ در ویژه‌نامه مجله «اروپ» که به مناسبت دهمین سالگرد مرگ ناظم حکمت منتشر شد، چنین نوشت: «به رغم همه فشارها و به رغم کینه دشمنان اندیشه، که زجر دادن به مردم ترک، مردم من، و شکنجه دادن به جوانان این سرزمین ادامه می‌دادند، ناظم لحظه‌ای از آواز خواندن باز نایستاد. او ترانه انسان را خواند و ترانه امید خویشان را به روزهای آینده و باور خود را به انقلاب و همان‌طور که خودش در سال ۱۹۴۹ در زندان بوسا نوشت: «مانند گلوله‌ای از خلال ده سال زندان گذشت» و همه خلق‌هایی که در اطراف و اکناف دنیا برای نان، برای آزادی و برای سوسیالیسم می‌جنگیدند، صدای او را از خلال دیوارهای سلول‌هایشان و در خلوت تبعیدگاه‌شان شنیدند...»

خائن به وطن

«نظم حکمت هنوز خیانت به وطن را ادامه می‌دهد.

حکمت می‌گوید، ما نیمه مستعمره امپریالیسم آمریکا هستیم.

ناظم حکمت هنوز خیانت به وطن را ادامه می‌دهد.»

این‌ها در یکی از روزنامه‌های آنکارا چاپ شد،

در سه ستون با زمینه سیاه،

با حروف درشت جنجالی

در یکی از روزنامه‌های آنکارا، در کنار عکس ژنرال ویلیام سون

در شصت و شش سانتی‌متر مربع

ژنرال آمریکایی می‌خندد، نیشش تا بنا گوش باز است

آمریکا صد و بیست میلیون لیره به بودجه ما کمک کرد. صد و بیست میلیون لیره،

«حکمت می‌گوید، ما نیمه مستعمره امپریالیسم آمریکا هستیم.

ناظم حکمت هنوز خیانت به وطن را ادامه می‌دهد.»

آری، من خائن به وطن هستم، شما وطن پرستید، شما میهن دوستید.
من خائن به وطنم، من خائن به میهنم،

اگر وطن مزارع شما باشد
اگر وطن آن چیزی باشد که در گاو صندوق ها و دسته چک های شماست،
اگر وطن مردن از گرسنگی در کنار جاده باشد،
اگر وطن در زمستان مثل سگ لرزیدن و در تابستان از تب به خود پیچیدن باشد،

اگر وطن مکیدن خون سرخ دست های ما در کارخانه های تان باشد،
اگر وطن جنگال ارباب های تان باشد،
اگر وطن حکومت باتون پلیس و چماق باشد،
اگر وطن پایگاه های آمریکایی، بمب های آمریکایی و توپ های ناوگان آمریکایی باشد.
اگر وطن نجات نیافتن از ظلمت گندیده شما باشد،
من خائن به وطن هستم

بنویسید، در سه ستون، با زمین درشت سیاه و جنجالی:
«ناظم حکمت خیانت به وطن را هنوز ادامه می دهد.»

۲۸ ژوئیه ۱۹۶۲

* ۲۷ مه، روزنامه ملیت